

طنز نوعی آینه است که نظاره‌گران عموماً چهره کسی به‌جز خود را در آن تماشا می‌کنند و به همین دلیل است که در جهان ادبیات از آن زیاد استقبال می‌شود، زیرا کمتر کسی آن را برخوردار می‌داند. طنز همیشه به تفاوت میان وضعیت، چنان که هست و چنان که باید باشد به‌شدت آگاه است. طنزنویس غالباً در اقلیت است؛ اما، در موقعیتی نیست که آشکارا مطرود باشد. برای اینکه موفق باشد، جامعه باید برای آرمان‌های مورد تأیید او احترامی هرچند ظاهری قائل باشد. اگر چنین شود، طنزنویس جایگاهی می‌یابد ظریف‌تر و بالقوه مؤثرتر از کسی که صرفاً نکوهندهٔ پلیدی‌هاست.

شخصیتی که توانست این سبک ادبی را در ادبیات ارمنی، بعد از طنزنویس بزرگ هاکوپ بارونیان (این نویسنده در ماهنامه شماره ۱۱۷ معرفی شده)، گسترده‌تر کند و افق‌های جدیدی در این سبک به‌وجود بیاورد و درهای پیشروی آن را بگشاید، یرواند اوتیان است؛ با آنکه اوتیان سبک طنزنویسی بارونیان را دنبال نکرد و در جمله‌بندی‌های آثارش، از تأکیدها، تکرارها و اشاره‌های خاص بارونیان، پیروی نکرده ولی، به‌طرز باور نکردنی توانست در ادبیات ارمنی جایگاه ویژه‌ای، در حیطهٔ تخصصی طنز رئالیسم\_اومانیزم، برای خود به دست آورد. مانند بارونیان که به اعتقاداتش تا آخرین نفس در آثارش باور داشت پایبند ماند ولی، مانند او برای وفاداری به اعتقاداتش آزارهایی که به او تحمیل می‌شد، تحمل نکرد و در زندگی رنج نکشید؛ با این حال، این استعداد و توانایی را داشت که زندگی و مردم را به‌طور وسیع‌تری بشناسد و از هنر طنز به‌بهترین شکل استفاده کند تا شاید بتواند بدون هیچ توجهی، کاستی‌ها و عادت‌های غلط ملی و اجتماعی را برطرف کند. یرواند اوتیان نه‌تنها در گسترش هنر طنزنویسی در ادبیات ارمنی تأثیرگذار است بلکه توانسته در پالایش آن نیز سهم بسزایی داشته باشد.

باورش بر این استوار بود که: ارتباط میان اسطوره و واقعیت کاملاً شکننده است، چراکه اسطوره‌ها بارها از حقایق تحریف شده متولد شده‌اند و هرچه زمان می‌گذرد، بازگشت به حقیقت به همان اندازه دشوار می‌شود. او بیش از حد از حماقت‌ها و شرارت‌های هم‌نوعانش آگاه بود و این آگاهی را نمی‌توانست پنهان کند و به‌عنوان طنزنویسی متبحر این ضعف‌ها را با بزرگ‌نمایی چنان استادانه در آثارش به‌تصویر می‌کشید که مخاطبانش را مجاب می‌کند تا با او هم‌عقیده شوند و مانند واعظی می‌خواست تا خواننده‌ها را نسبت به امری که در اثرش اشاره شده، تشویق و متقاعد کند؛ اما، موقعیت اوتیان در قبال مخاطبانش سخت‌تر و ظریف‌تر از واعظ بود؛ او به‌عنوان طنزنویس مجبور بود و باید خواننده‌ها و اطرافیانش را دربارهٔ رفتارها و انسان‌هایی که او آنها را بد می‌دانست، با خود هم‌عقیده می‌ساخت. او در نوشته‌ها و رفتار محتاط بود؛ اما از لحاظی هم آزادی فراوانی داشت؛ اوتیان مانند هر طنزنویس دیگری از نظر قالب در فشار و محدودیت نبود زیرا، تنوع طنز تقریباً بی‌نهایت است.